



ارتباط‌نامه ۶۰۰۸۵۳۳۰



گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهیدسید مهدی شاهچراغ از شهدای عملیات الی بیت‌المقدس

## فرزندش به دنیا آمد اما جبهه را ترک نکرد

■ **میبنا شانلو**

این یک بیت شعر با خط زیبای شهیدسید مهدی شاهچراغ برای همیشسه به یادگار ماند: با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را. شهیدسید مهدی شاهچراغ معلم و هنرمند خطاط بود. اما دغدغه جنگ و جبهه او را به میدان جهاد کشاند. سیدمهدی نه در دوران جنگ که پیش از آن در عرصه انقلاب و بیداری و آگاهی مردم و هم محلی‌ها یش نسبت به ظلم رژیم شاه شهید بود. شهید سیدمهدی شاهچراغ خیلی زود به آرزویش رسید و مزد مجاهدت‌های خود را در عملیات غرور آفرین الی بیت‌المقدس گرفت. ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱و آسمانی شد، آنچه در پی می‌آید ما حاصل همکاری ما با محترم‌السادات شاهچراغ همسر شهید سیدمهدی شاهچراغ است.

■ **سید مهدی، بقرار رفتن بود**
سیدمهدی متولد ۶ تیرماه سال ۱۳۳۸ دامغان بود. در سخوان بود و همزمان با درس و تحصیل کار هم می‌کرد. خدمت سربازی‌اش را در اصفهان سپری کرد.

کمی بعد معلم شد و بعد از آن ازدواج کرد. همسرش می‌گوید: وقتی ازدواج کردم سنم کم بود. خیلی از کارهای خانه را بلد نبودم. سیدههدی من را در کارهای خانه مثل آشپزی و لباس شستن کمک می‌کرد.

### گفت‌وگو

#### گفت‌وگوی «جوان» با خانواده شهید حسین ناظمیان از شهدای عملیات الی بیت‌المقدس

## ۸ ساله بود که می‌خواست یزید را بکشد!

فعالیت‌های ضد انقلاب در کردستان راهی غرب شد. مرحله اول از طرف سپاه به کردستان اعزام شد و سه ماه و ۱۰ روز در منطقه غرب بود. با آغاز جنگ بی‌هیچ درنگی راهی جبهه شد. بعد از آن در عملیات فتح‌المبین شرکت کرد و مدتی بعد در عملیات الی بیت‌المقدس حضور پیدا کرد.

■ **تفنگ چوبی و جنگ با یزید**

برادرم متولد سال ۱۳۴۷ بود. او حدوداً ۸ ساله بود که یک تفنگ چوبی درست کرده بود. مادر می‌گفت: یک روز تفنگ به دست با خودش حرف می‌زد، و من هم داشتم سبزی پاک می‌کردم ولی گوشم با او بود. می‌خواستم بدانم چه می‌گوید؟! رو به حسین کردم و گفتم: حسین! چه کار می‌کنی؟ با زبان شیرین و کود کانه گفت: دلم می‌خواهد با این تفنگ یزید را بکشم. سرش را در آغوشم گرفتم و گفتم: فدایت بشوم پسرم که تو هم امام حسین(ع) را دوست داری. آن روز حس کنجکاو‌اش گل کرد و سؤال

فاطمه ناظمیان خواهر دو شهید است. شهیدان حسین و محسن ناظمیان. فرصتی فراهم شد تا او از خاطرات خود و هم‌زمان برادر شهیدش حسین ناظمیان برای ما روایت کند. خواهرانه‌های او از شهید عملیات الی بیت‌المقدس را پیش رو دارید. شهید دیگر خانواده، شهید محسن ناظمیان است که در عملیات والفجر ۳ به برادر شهیدش ملحق شد. با هم بخوانیم.

■ ■ ■

■ **دیوار نوشت‌های انقلابی**

شهیدحسین ناظمیان همزمان با آغاز انقلاب، نوجوانی ۱۵-۱۴ ساله بود، اما سهم خود را به انقلاب پرداخت. با شهیدهمتیان و شهیدعباس شهنه در آن زمان‌ها ارتباط دوستی داشت و با همدیگر شب‌ها در خیابان هفت تیر روی دیوارها شعار می‌نوشتند و در تظاهرات شرکت می‌کردند. بعد از پیروزی انقلاب و

## د

نحوی سر به سر سیدمهدی می‌گذاشت. بعضی‌ها از دور می‌گفتند:مبار که! عده‌ای هم می‌پرسیدند:اسم دخترت را چی می‌گذاری؟ سیدمهدی با خوشحالی جواب داد:فاطمه!

فرمانده گردان رو به سیدمهدی کرد و گفت:شما دیگر برگردا خانمت به شما احتیاج دارد. بچه‌ها می‌خواستند از سیدمهدی خداحافظی کنند که او با حرفش همه را متعجب کرده و پاسخ داده بود:من تا آخر عملیات می‌مانم.

■ **شهادت در بیت المقدس**

همز مش لحظه شهادت کنارش بود. ابوتراب کاتبی بعدها برایم از آن لحظه اینگونه روایت کرد. آتش سنگینی بود. خمپاره‌ای به سنگرشان خورد به طرفشان رفتیم و صدای ناله‌ای شنیدیم. کمرش ترکش خورده بود. می‌دانستم که به تازگی پدر شده است. دو انگشتر در دست داشت. آن‌ها را درآوردم و صورتم را نزدیش بردم و گفتم: سیدجان! بگوهر چی می‌خواهی بگو! دهانش را باز کرد تا چیزی بگوید اما نتوانست و همان لحظه به شهادت رسید. همسر شهید در ادامه می‌گوید وقتی به شهادت رسید کوچک‌ترین تغییری در صورتش ایجاد نشده بود. چهره‌اش همان بود که موقع خداحافظی آخر دیده بودیم. گویی خوابیده بود.

■ **بدرقه با دعای خیر**

قبل از رفتن به جبهه پیش پدرش رفت تا از او هم اجازه بگیرد. پدرش بعدها برایم گفت سید مهدی آمد و در حالی که سرش پایین بود به من گفت: پدر! از شما اجازه می‌خواهم تا با خیال راحت به جبهه بروم. من هم نگاهی به او کردم و پاسخ دادم با وضعی که همسرت دارد من صلاح نمی‌بینم که تنهاش بگذاری! فردای همان روز برای وداع آخر آمد. من هم که اصرار سیدمهدی را برای رفتن دیدم، رضایت دادم و دعای خیرم را بدرقه راه او کردم و گفتم خدا پشت و پناحت! ■ **فاطمه و شهادت پدر**

خیلی طول نکشید که خبر شهادت سیدمهدی را برای خانواده آوردند. ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در عملیات الی بیت‌المقدس سیدمهدی به آرزویش رسید. تشییع پیکر شهید خیلی شلوغ بود. بسیاری از مردم آمده بودند تا حضورشان تسلی خاطر بازماندگان باشد. فاطمه، چند روزه بود. دائم گریه می‌کرد. فاطمه را روی سینه پدر شهیدش گذاشتند آرام شد. از شهید سیدمهدی شاهچراغ وصیتنامه‌ای بر جا ماند که در یازدهمین روز از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱و تنها چند روز قبل از شهادتش آن را نوشت. شهید سیدمهدی شاهچراغ بسیار ولایت‌مدار بود. او در این نوشتار در کنار توصیه‌هایی که به خانواده داشت از ملت ایران خواسته بود که برای امام دعا کنند.

## د

خیلی طول نکشید که خبر شهادت سیدمهدی را برای خانواده آوردند. ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ در عملیات الی بیت‌المقدس سیدمهدی به آرزویش رسید. تشییع پیکر شهید خیلی شلوغ بود. بسیاری از مردم آمده بودند تا حضورشان تسلی خاطر بازماندگان باشد. فاطمه، چند روزه بود. دائم گریه می‌کرد. فاطمه را روی سینه پدر شهیدش گذاشتند آرام شد. از شهید سیدمهدی شاهچراغ وصیتنامه‌ای بر جا ماند که در یازدهمین روز از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱و تنها چند روز قبل از شهادتش آن را نوشت. شهید سیدمهدی شاهچراغ بسیار ولایت‌مدار بود. او در این نوشتار در کنار توصیه‌هایی که به خانواده داشت از ملت ایران خواسته بود که برای امام دعا کنند.

که پسرم حسین به شهادت رسیده است. چند روز بیشتر نگذشت که خبر شهادت حسین را برای ما آوردند پیکر مطهرش بر روی دستن مردم شهیدپرور تشییع و در گلزار شهدای امامزاده یحیی به خاک سپرده شد. شهید حسین‌ناظمیان ۱۳ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱ در عملیات الی بیت‌المقدس، در منطقه خرمشهر با برخورد ترکش به سر و صورتش به آرزویش رسید.

■ **تحقق انقلاب پابرهنگان!**

شهیدحسین ناظمیان در وصیتنامه خود به جهانی‌شدن انقلاب پابرهنگان و تحقق وعده الهی در به حاکمیت رساندن مستضعفان جهان اشاره می‌کند و می‌نویسد: برادران و خواهران!م! توجه کنید که الگوی شما امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) باشد. دوستان عزیز! مطمئن باشید که این انقلاب جهانی خواهد شد، چون وعده خداوند قطعی است که مستضعفان جهان را در سراسر گیتی به حاکمیت می‌رساند. در مقابل توطئه ضدانقلاب داخلی و خارجی بایستید و قدرت تفکر را از آنها بگیرید. اگر خداوند بر من منت گذاشت و به فیض شهادت نائل شدم، پدر و مادر، برادران و خواهران گرامی!م! مبادا اشک بریزید و لباس سیاه بر تن کنید، همچون کوه استوار باشید، مگر خون من از خون حضرت علی اکبر رنگین‌تر است؟ وسایلی را که در منزل دارم به جهاد سازندگی تحویل دهید تا به نفع مستضعفان جامعه استفاده شود. به امید روزی که راه کربلا باز شود.



شهیدحسین ناظمیان نقر دوم از سمت راست

جنوب... از هر چیزی که به نظرش رنگ و بوی خدا را داشت صحبت کرد.

■ **«اللهم تقبل منا»**

حسین آخرین بار در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ برای حضور در عملیات الی بیت‌المقدس راهی جبهه شد. او در جبهه

### طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۱۶

۱	۲				
		۷	۹	۸	
		۴	۶	۷	۲
۶			۱		
		۷	۱		
		۹		۴	۵
	۹				
			۵	۴	۸
					۲

■ **پاسخ جدول شماره ۷۰۱۵**

۱	۷	۷	۸	۳	۳	۳	۱
۱	۸	۳	۷	۳	۷	۳	۱
۳	۷	۷	۱	۳	۱	۸	۳
۷	۷	۱	۳	۱	۸	۳	۳
۳	۳	۱	۷	۳	۱	۸	۳
۸	۳	۳	۱	۷	۳	۱	۳
۳	۱	۷	۳	۱	۳	۱	۷
۳	۱	۷	۳	۱	۳	۱	۷
۳	۱	۷	۳	۱	۳	۱	۷
۱	۸	۳	۷	۳	۷	۳	۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

#### از راست به چپ

۱- محصول به دست‌آمده از طریق زراعت یا صنعت -طبقه‌بندی ■ ۲-کشور سیسی - فعالیت و جنبش زیاد ■ ۳-شاعر اهل شیراز - سرور رعیت -صدای فروریختن پیاپی آب ■ ۴- حشره خون آشام- رکنی از ارکان نماز- خانه شعر- جایزه ورزشی ■ ۵- لاف توخالی - حرکت کرم گونه- اویزان- گلو در گویش تهرانی‌ها ■ ۶-اخمو- از مواد لبنی- شهری در کرمانشاه ■ ۷- برگ برنده- نوعی موشک زمین به زمین- آفتاب پرست ■ ۸- خانه- دستگاهی در موسیقی ایرانی- یقه تیز- پرنده‌ای شکاری ■ ۹- رایانه لوحی- پایتخت سسوند- قدم یک‌پا ■ ۱۰- مذهب حاکم در عربستان- چالش و برخورد- کم‌پشت ■ ۱۱- دریا- کلاه شاهانه- بازنده شطرنج- کتف ■ ۱۲- عدد دورقمی- نام پرنده‌ای است- تازک و ظریف- گندم سوخته شده ■ ۱۳- سریع‌ترین روش شنا- نویسنده امریکایی برنده جایزه نوبل ادبی در سال ۱۹۳۶- نام‌ها ■ ۱۴- از رشته‌های ورزشی آبی- بلد ■ ۱۵- فاضل و دانشمند- عنوانی برای فوتبالیست گلزن

#### از بالا به پایین

۱- چشم الکتریکی - ستاره بلغاری سابق بارسا که در جام جهانی ۱۹۹۴ موفق به دریافت نشان بهترین بازیکن و بهترین گلزن جام شد ■ ۲- هموار- مجازاً به معنای دست‌نخورده و نهفته ■ ۳-ورم - به‌جز- تملق و چاپلوسی ■ ۴- مقابله- هجر- دهی در تهران- یام دنیا- تنش‌نیم مایعات ■ ۵- تکرار حرفی- پبله گرم ابریشم- گل خوشبو- تفاله کنجد ■ ۶- طایفه- سبکی در کونگو- گستاخی و وقاحت ■ ۷- مبدأ تاریخ شیعیان- زیرکی- اتاقک قطار ■ ۸- مغرور- برس اسب- ظرف آب- دختر کارتونی ■ ۹- غذای ایرانی- گیرودار- تویی لاستیک اتومبیل ■ ۱۰- دانه سحرآمیز- وسیله برش- از بخشش کم نمی‌شود ■ ۱۱- برجستگی سوهان- گلخن حمام- اختلاف پتانسیل الکتریکی- رود ■ ۱۲- ته‌چک- پیامبر کشتی‌بان- به رخ کشیدن خوبی و احسان- سزاوار ■ ۱۳- بی‌دین- فلز گلوله- سوره سبحان ■ ۱۴- ترکیب فارسی به معنی حواسی- شاداب ■ ۱۵- تنظیم و عرضه نور مناسب در تئاتر و فیلم- خوشبان و نزدیکن

## د

حسین در تمام‌شقة دنیا، هر که نوزنگان